

تہمت بر شیعیہ

و سوره های حذف شده از قرآن

تدوین و تلخیص ابوالفضل صداقت

اشاره

نگاهی به ساختار و محتوای سوره نورین و ولایت

سوره ولایت نیز در هفت بند بدین گونه ساخته شده است:

سوره نورین و ولایت در گزارش‌ها و پژوهش‌های خاورشناسان

پرسش‌هایی که در این جا باید به آن‌ها پرداخته شود از این قرارند:

سوره نورین و ولایت در گزارش‌های سلفیان (وهابیان)

تاریخ پیدایش سوره نورین

کتاب «دبستان مذاهب» و سوره نورین

ابن شهر آشوب و سوره ولایت

کتاب تذکرة الائمة از کیست؟

یک بحث تکمیلی

تہمت شیعہ

و سوره های حذف شده از قرآن

اشاره

برخی بدون هیچ مدرکی مدعی شده‌اند که علمای شیعه معتقدند دو سوره‌ی «نورین» و «ولایت» از قرآن حذف شده است. این ادعا دستاویزی برای متهم کردن شیعه قرار گرفته است. اخیراً با فعالیت‌های شدیدی که وهابیون در مناطق مختلف آغاز نموده‌اند یکی از موضوعاتی که به کرات مطرح می‌کنند همین ادعا می‌باشد. اکثر مطالب تحقیق پیش‌رو که به‌طور خلاصه تقدیم شما می‌گردد توسط دکتر فتح‌الله نجارزادگان به انجام رسیده است و ایشان در آن جعلی بودن این سوره‌ها را ثابت نموده و در ادامه مشخص کرده که این افسانه ساخته و پرداخته فردی است که مدعی مذهب جدیدی بوده و با حمایت انگلیسی‌ها منتشر شده است چه آن‌که اولین گزارش‌های مربوط به این دو سوره در مجلات انگلیسی به چاپ رسیده است.

نگاهی به ساختار و محتوای سوره نورین و ولایت

ساختار این دو سوره و آهنگ کلی آن‌ها درباره وصایت و امامت اهل بیت به‌ویژه امام علی علیه‌السلام و نیز کجروی و ارتداد مخالفان آنان با تهدید عذاب خداوند نسبت به آن‌هاست. برای قرآن‌پژوهان و نیز اندک آشنایان با محتوای و فصاحت و بلاغت قرآن، ساختار پرغلط و محتوای بی‌مایه این دو سوره دلیلی روشن برای حکم به ساختگی و بی‌پایگی آن‌هاست و هر کس با دید انصاف به آن‌ها نگریسته بی‌گمان بر جعلی بودن آن‌ها حکم کرده است (۱) به طور نمونه در نخستین بند سوره نورین می‌خوانیم:

«یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالنورین انزلناهما یتلوان علیکم آیاتی و یحذر انکم عذاب...»

در این بند به مؤمنان فرمان می‌دهد که دو نوری که فرود آمده‌اند تا آیات خدا را تلاوت کنند ایمان آورند.

مراد از این دو نوری که فرود آمده‌اند تا آیات را تلاوت کنند و مردم را از عذاب بر حذر دارند چیست؟ آیا معنی معقولی برای این جمله‌ها می‌توان یافت؟

در یکی دیگر از بندهای آن می‌خوانیم «واصطفی من الملائکه و جعل من المؤمنین اولئک فی خلقه - از فرشتگان برگزید و از مؤمنان قرار داد ایشان در و آفرینش اویند!» برای چه فرشتگان را برگزید و مؤمنان را قرار داد، معنی عبارت: آنان در خلق و آفریدگان اویند، چیست؟

یا در بندی دیگر می‌گوید: «ولقد ارسلنا موسی و هارون بما استخلف فبغوا هارون فصبر جمیل - موسی و هارون را فرستادیم برای آن‌چه را که جانشین کرد (یا به آن چه که جانشین شد) پس ستم کردند هارون را پس صبر زیباست!» این عبارت بی‌سروته به چه معناست؟!

یا در این بند که می‌گوید: «ولقد اتینا بک الحکم کالذین من قبلک من المرسلین وجعلنا لک منهم وصیا لعلهم یرجعون - ما به تو حکم دادیم مانند رسولان پیش از تو و قرار دادیم برای تو از ایشان جانشین را شاید برگردند.» عبارت‌های به تو حکم دادیم و شاید برگردند چه معنی دارند؟ مرجع ضمیر در لعلهم و یرجعون چیست؟

هم چنین در بندی دیگر آمده است: «یا ایها الرسول قد جعلنا لک فی اعناق الذین آمنوا عهدا فخذه وکن من الشاکرین - ای پیامبر! ما برای تو بر عهده مؤمنان عهد و پیمانی قرار دادیم آن‌را بگیر و از شاکران باش» چگونه پیامبر عهدی را که به عهده مؤمنان و در اراده و

اختیار آنان است، اخذ کند و شاکر آن باشد! شاید این عبارت با تقلید از آیه شریفه ۱۴۴ سوره اعراف ساخته شده که در آن خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: «يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ» خداوند در این آیات به گرفتن الواح و سپاس گزاری موسی علیه السلام به سبب نعمت اعطای تورات به ایشان دستور داده است، که قابل درک است و معنی معقولی دارد.

و باز در بندی دیگر می گوید: «ان عليا قانت في الليل ساجد يحذر الآخرة و يرجو ثواب ربه قل هل يستوي الذين ظلموا و هم بعدابي يعلمون - به درستی که علی در شب قانت است، سجده می گزارد از آخرت می هراسد و امید به پاداش پروردگارش دارد بگو آیا آنان که ستم کردند و آنان که به عذاب من آگاه اند مساوی اند!» در این جا عبارت «هل يستوي الذين ظلموا» چه جایگاهی دارد؟ و چه مناسبت آن با ادامه عبارت چیست؟ شاید کسی که این عبارات را ساخته آیه ۹ سوره زمر در ذهنش بوده؟ که می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» و می خواسته از این آیه الگوبرداری کند بدون آن که به سبک و سیاق آن آشنا باشد و غافل از این که این آیه در مقام استفهام انکاری است. قرآن در مقام مقایسه آنان که برای خداوند از روی جهل و عناد شریک قرار دادند تا مردم را از راه بیرون برند و کسانی که در شبانگاه در پیشگاه خداوند فروتنی دارند و چشم امید به رحمت او دوخته اند، این بیان را می فرماید: اما در آن عبارات ساختگی سخیف، استفهام انکاری چه جایگاهی دارد؟

سوره ولایت نیز در هفت بند بدین گونه ساخته شده است:

«يا ايها الذين آمنوا آمنوا بالنبي وبالولي الذين بعثناهما يهديانكم الى صراط مستقيم × نبي و ولي بعضها من بعض و انا العليم الخبير × ان الذين يوفون بعهد الله لهم جنات النعيم × والذين اذا تليت عليهم آياتنا كانوا باياتنا مكذبين × ان لهم في جهنم مقاما عظيما اذا نودي لهم يوم القيمة اين الظالمون المكذبون المرسلين × ما خلقهم المرسلين الا بالحق وما كان الله لينظرهم الى اجل قريب × وسيح بحمد ربك وعلی من الشاهدين.»

در این سوره مزعومه غلطهای فاحش و عبارتهای بی معنی مانند برانگیختن «ولی» در بند اول، و نیافریدن پیامبران جز به حق و مهلت ندادن خداوند به آنان تا زمان نزدیک و ترکیب دستور به ستایش پروردگار با گواه بودن امام علی در بندهای آخر و... جملگی بر

جعل این سوره از سوی افرادی ناآشنا به بافت و محتوای قرآن دلالت دارد. به هر حال، هر کس در دلیل‌های سلامت قرآن از تحریف درنگ کند و نیز در عبارات پریشان و بی سروته این دو سوره بنگرد به روشنی بر جعلی بودن این دو سوره حکم می‌کند و نیازی به بحث دیگر نمی‌بیند.

سوره نورین و ولایت در گزارش‌ها و پژوهش‌های خاورشناسان

گزارش‌ها و پژوهش‌های خاورشناسان درباره منابع و اسناد سوره‌های ولایت و نورین به این شرح است:

الف) نولدکه (۲) (۱۸۳۶ - ۱۹۳۱ م) وی در کتاب تاریخ‌المصاحف به نقل از کتاب «دبستان مذاهب» از سوره نورین یاد می‌کند. (۳)

ب) گلدزیهر (۴) (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱ م) با تفصیل بیشتری به این مطلب پرداخته و نوشته است:

شیعه از آیاتی که ادعا می‌کنند از [برخی از سوره‌های] قرآن ساقط شده نشانی به دست نمی‌دهد، به جای آن سوره‌هایی را می‌آورد که به‌طور کلی از قرآن عثمانی [قرآن موجود] ساقط شده‌اند. شیعه گوید: دست اندرکاران تدوین مصحف عثمانی این سوره را برای آن که مشتمل بر فضایل علی [علیه‌السلام] است از قرآن برانداخته‌اند. برای نخستین بار در سال ۱۸۴۲م «گارسان دی تاسی» (۵) و «میرزا کاظم بیک» سوره‌ای از این دست را که در جوامع شیعه متداول است در مجله آسیایی نشر دادند. (۶) چندی پیش نیز در کتابخانه بانکپور هند نسخه‌ای از قرآن پیدا شده که مشتمل بر سوره نورین - با ۴۱ آیه - و سوره ولایت - با ۷ آیه - بود... این دو سوره درباره مولا علی و پیشوایان پس از اوست. کلیرتس‌دال (۷) تمام این موارد را یک‌جا به زبان انگلیسی نشر داده (۸) است. این موارد بیانگر تداوم اندیشه شیعه درباره وجود تحریف در نص قرآن عثمانی [قرآن موجود] است. (۹)

گلدزیهر چنین وانمود می‌کند، سوره‌ای را که «دی تاسی» و «کاظم بیک» منتشر کرده‌اند، متداول در جوامع شیعی است و این دو سوره غیر از آن دو سوره‌ای است که در نسخه‌ای از قرآن یافت شده است. وی بدون ارائه هیچ‌گونه مدرکی ادعا می‌کند در اندیشه شیعه دست‌اندرکاران تدوین مصحف عثمانی این سوره‌ها را برای آن که مشتمل بر فضایل علی علیه‌السلام است از قرآن برانداخته‌اند!

پرسش‌هایی که در این جا باید به آن‌ها پرداخته شود از این قرارند:

۱- منبع مورد استناد «گارسان‌دی‌تاسی» و «کاظم بیک» درباره این دو سوره چه بوده است؟

۲- آیا دو سوره‌ای که گارسان دی تا سی و کاظم بیک نقل کرده اند غیر از آن دو سوره ولایت و نورین است؟

۳- آیا کلیرتسدال - که گلدزیهر می گوید تمام موارد ادعا شده در مورد تحریف قرآن را یکجا آورده - از سوره های ساقطه چیزی جز همان دو سوره را نقل کرده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها را می‌توان با مراجعه به خود منابعی که گلدزیهر یاد کرده، یافت. (ج) در سال ۱۸۴۲ میلادی برای نخستین بار «گارسن‌دی‌تاسی» در مجله‌ی Asiatic Journal متن عربی و ترجمه سوره نورین را به زبان فرانسه منتشر کرد (۱۰). وی منبع این سوره را اثری فارسی از قرن هفدهم میلادی [یازدهم قمری] به نام «دبستان مذاهب» نوشته ایرانی زردشتی ساکن هند، یاد می‌کند (۱۱) در سال بعد یعنی ۱۸۴۳ میلادی در همان مجله «میرزا اسکندر کاظم بیک» متن این سوره را بر اساس نسخه‌ای در ۴۳ آیه منتشر کرد و ترجمه دقیق‌تری از آن به دست داد، کاظم‌بیک در این که نسخه مورد استناد وی چه بوده، سخنی نگفته است (۱۲). با مقایسه متن «سوره نورین» در این دو مجله خواهیم دید هیچ تفاوتی در الفاظ آن‌ها به چشم نمی‌خورد و این نشان می‌دهد «کاظم‌بیک» نیز متن را از همان کتاب «دبستان مذاهب» گرفته است همان منبعی که «دی‌تاسی» از آن نقل کرده است.

د) در ژوئای ۱۹۱۳م کلیرتسدال در مجله The moslem World در مقاله‌ای تحت عنوان «اضافات شیعه بر قرآن» افزون بر سوره نورین در ۴۲ بند (آیه) سوره ولایت را در ۷ بند (آیه) گزارش کرده و متن آن‌ها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است (۱۳). وی درباره منبع خود از این دو سوره نوشته است: «این دو سوره از نسخه خطی از قرآن نگاشته شده در قرن شانزدهم یا هفدهم میلادی در بانکپور هند گرفته شده است.» (۱۴)

بنابراین، این دو سوره تا پیش از قرن شانزدهم میلادی قدمتی ندارد.

ه) محمد صبیح ۱۵ بند از ۴۳ بند سوره نورین را بدون ذکر منبع مورد استناد خود به همین نام (سوره نورین) آورده و بدون ارزیابی مدرکی ادعا می‌کند این سوره در مصحف علی‌بن‌ابی‌طالب بوده و عثمان آن را برانداخته است. (۱۶)

محمد جواد مشکور نیز نوشته است:

«در هندوستان نسخه معمولی از قرآن پیدا شده که غیر از سوره ولایت و سوره نورین، سوره دیگری مشتمل بر هفت آیه در بردارد که به زعم شیعه سوره ولایت علی و ائمه است.» (۱۷)

مشکور در این جا مرتکب اشتباه است، چون سوره دیگری غیر از دو سوره نورین و ولایت، به نام سوره ولایت و ائمه وجود ندارد، و کلیرتسدال (۱۸) از آن به نام سوره ولایت نقل کرده است. نشان می دهد این دو سوره یکی است و مدرک همه اینان نیز چیزی جز نسخه بی نام و نشان از قرآن که ادعا می شود در هندوستان یافت شده، نیست.

حاصل آن که منبع و مدرک خاورشناسان و مشکور و دیگران درباره سوره نورین و ولایت چیزی جز کتاب «دبستان مذاهب» و نسخه ای از قرآن که گفته می شود قرن هفدهم میلادی نگاشته اند نمی باشد و مدرک دیگری در این باره ارایه نکرده اند.

سوره نورین و ولایت در گزارش های سلفیان (وهابیان)

در نگاشته های سلفیان (وهابیان) تشبث به این دو سوره برای متهم کردن شیعه به تحریف قرآن فراوان است، سلسله جنبان این سخن سر سلسله آنان یعنی محمدبن عبدالوهاب (در ۱۲۰۶ق) است. وی نوشته است:

«گفته شده شیعه در این زمان دو سوره از قرآن را که گمان می کنند، عثمان بن عفان آن ها را پنهان کرده، نمایان ساخته اند. آنان این دو سوره را به آخر مصحفی افزوده اند. یکی از آن ها سوره نورین و دیگری سوره ولاء است.» (۱۹)

محب الدین خطیب (۲۰)، دکتر موسی جارالله (۲۱) دکتر ناصر علی القفاری (۲۲) محمد مال الله (۲۳) احسان الهی ظهیر (۲۴) دکتر احمد محمدجلی (۲۵) و... دیگران اند که بر این اتهام پای می فشارند.

برخی از اینان مانند دکتر ناصر علی القفاری افزون بر استنتاج تحریف قرآن از این مساله و متهم کردن شیعه به تحریف قرآن نوشته است:

«آن چه را که محب الدین خطیب و احمد کسروی شیعی از تصویر سوره ولایت منتشر کرده اند، حکایت از مصحفی پنهانی و رواج آن در نزد اخباریین شیعه دارد!» (۲۶)

محب الدین خطیب نیز نوشته است:

«نتیجه بحث درباره این دو سوره این است که در بین شیعه دو قرآن رواج دارد یکی

همین قرآن و دیگری قرآنی خاص پنهانی که در نزد خود شیعه است.» (۲۷)

منبع و مدرک این گروه و نیز احمد کسروی چیزی جز کتاب‌های:

«دبستان مذاهب»

«تاریخ المصاحف» نولدکه

«مذاهب التفسیر الاسلامی» گلدزیهر

«فصل الخطاب» محدث نوری

و «تذکرة الائمة» محمد باقر لاهیجی

نیست. مدرک گلدزیهر درباره این دو سوره بررسی شد. محمد باقر لاهیجی نیز این دو سوره را بدون ذکر منبع و مدرک خود نقل کرده است (۲۸) (که با مقایسه متن آن‌ها با متنی که مؤلف «دبستان مذاهب» آورده در می‌یابیم، در اندکی از الفاظ آن با یکدیگر تفاوت می‌کند که به اختلاف نسخه مربوط می‌شود) مصدر سایرین تنها کتاب «دبستان مذاهب» است. محدث نوری هم تنها سوره نورین را با نام سوره ولایت از همین کتاب «دبستان مذاهب» نقل کرده و سپس چنین نوشته است:

«ظاهر کلام «دبستان مذاهب» این است که وی این سوره را از کتاب‌های شیعه برگرفته است ولی من هیچ اثری از این سوره در کتاب‌های شیعه نیافتم جز بنا به آنچه که از محمدبن شهر آشوب مازندرانی نقل می‌کنند وی در کتاب المثالب گفته است مخالفان، سوره ولایت را از قرآن انداختند و شاید منظور وی همین سوره باشد.» (۲۹)

متأسفانه محدث نوری در نقل نظر «دبستان مذاهب» دقت کافی نکرده و نیز به قول کسانی که به ابن شهر آشوب چنین نسبتی داده‌اند بدون تحقیق اعتماد کرده است.

تاریخ پیدایش سوره نورین

تاریخ پیدایش «سوره نورین» چیزی جز کتاب «دبستان مذاهب» در قرن یازدهم قمری نیست، تذکرة الائمة هم که حدود یک قرن پس از اوست از آن کتاب گرفته است، و نسخه مجهولی از قرآن نگاشته شده در قرن هفدهم میلادی که «کلیرتسدال» ادعا می‌کند این سوره در آن است نیز به احتمال زیاد با توجه به تاریخ کتابت آن نسخه، از همین کتاب «دبستان مذاهب» گرفته است. تا پیش از این کتاب «دبستان مذاهب» هیچ منبع و مدرکی برای سوره نورین وجود ندارد، سوره ولایت نیز تنها در آن نسخه مجهول قرآن در قرن

هفدهم میلادی نگاشته شده می باشد و اثری از این دو سوره در هیچ کدام از منابع و مصادر شیعه از کتب اربعه متقدمه و متاخره و به ویژه کتاب هایی که مظان طرح این بحث است، نیست.

کتاب «دبستان مذاهب» و سوره نورین

کتاب «دبستان مذاهب» از نویسنده ای ناشناس است. طبق تفحص رضازاده ملک پژوهشگر توانای کتاب - وی در سال ۱۰۲۵ به دنیا آمده و تا سال ۱۰۶۹ زنده بوده است. رضازاده ملک پس از آن که نسبت کتاب «دبستان مذاهب» را به محمد محسن فانی

کشمیری، سست و با توجه به دلایل متعدد غیر واقعی می داند (۳۰) به ذکر ادله و بررسی قراین و شواهد گوناگون می پردازد و از آن ها چنین نتیجه می گیرد:

نخستین چاپ فارسی این کتاب هم به وسیله «ویلیام بیلی» سفیر انگلستان در هندوستان همزمان با تسلط کمپانی هند شرقی بر این منطقه صورت گرفته است.

«همه این قراین و شواهد کافی است تا از بن دندان معتقد شویم مؤلف «دبستان مذاهب» یکی از پیروان پروپا قرص آذرکیوان و آیین دساتیری است. آن هم معتقدی مورد احترام سایر آذر کیوانیان. و وی کسی جز "موبد کیخسرو اسفندیار" فرزند آذر کیوان نیست.» (۳۱) وی در ادامه بحث از انگیزه تالیف کتاب «دبستان

مذاهب» پرده برداشته و نوشته است:

«مؤلف «دبستان مذاهب» خود داعیه دار آیینی ساختگی و قلابی بوده و غرض اساسی اش - بدون آن که اظهار کند - سست کردن پایه های اعتقادی متدینین ادیان دیگر و کشاندن آن ها را در جرگه معتقدان خود بوده است. از این رو مبلغی از اسنادهای سست و بی پایه و مغرضانه از دهان مشتی مردم بنگی و چرسی بی فرهنگ نقل می کند.»

استعمارگران انگلیسی نیز برای اجرای غرض مؤلف «دبستان مذاهب» با وی همدستان شدند، چون، کتاب «دبستان مذاهب» نخستین بار توسط انگلیسیان معرفی و به انگلیسی ترجمه شده است. نخستین چاپ فارسی این کتاب هم به وسیله «ویلیام بیلی» سفیر انگلستان در هندوستان همزمان با تسلط کمپانی هند شرقی بر این منطقه صورت گرفته است. (۳۲)

همان طور که ملاحظه کردید در نخستین شماره از مجله هایی که درباره منطقه آسیایی

و جهان اسلام به چاپ رسیده متن این سوره را به‌عنوان سوره‌ای که شیعی است و از تحریف قرآن در باور شیعه حکایت دارد، منتشر کردند. همه این‌ها حکایت از غرض‌ورزی و اندیشه (تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن) (۳۳) در اذهان این استعمارگران دارد، همان‌طور که همین استعمارگران در آن عصر، در ایران و هند به دین‌سازان بی‌مایه و شیادان دروغ‌پیشه کمک کردند تا افکارشان تحت عنوان بابیه و بهائیه رونق بگیرد و با ایجاد تفرقه و سست کردن پایه‌های اعتقادی مردم به چپاول و غارت

کتاب «دبستان مذاهب» نخستین بار توسط انگلیسیان معرفی و به انگلیسی ترجمه شده است.

اموالشان ادامه دهند.

عبارت «دبستان مذاهب» درباره سوره نورین نیز بر انگیزه تالیف کتاب «دبستان مذاهب» مهر صحت می‌زند. مؤلف کتاب تحت عنوان «در ذکر مذهب اثنا عشریه» نوشته است:

«از ملا محمد معصوم و محمد مؤمن تونی و ملا ابراهیم که در هزاروپنجاه‌وسه در لاهور بوده‌اند و از جمعی دیگر، آنچه نامه‌نگار [مراد خود مؤلف دبستان است] شنیده و دیده می‌آورد.» (۳۴)

سپس به ذکر برخی از باورهای امامیه می‌پردازد و آن‌گاه درباره سوره نورین می‌گوید: «بعضی از ایشان گویند که عثمان مصاحف را سوزانده بعضی از سوره‌ها که در شان علی و فضل آتش بود برانداخت و یکی از آن سوره‌ها این است.» (۳۵)

سپس متن اسطوره مزعومه را در ۴۲ بند [آیه!] می‌آورد.

مؤلف «دبستان مذاهب» درباره این که این بعض از شیعه چه کسانی‌اند؟ از کدام منبع چنین خبر داده‌اند؟ سند آنان چیست و... هیچ خبری به دست نمی‌دهد. بنابراین، می‌توان به آن احتمال یعنی بیان مبلغی از اسنادهای مغرضانه و بی‌پایه از سوی مؤلف «دبستان مذاهب» برای سست کردن پایه‌های اعتقادی متدینان اهتمام بیشتری داشت.

از این عبارت کتاب «دبستان مذاهب» لغزش محدث نوری نیز آشکار می‌شود. نوری می‌گفت: «ظاهر کلام «دبستان مذاهب» این است که وی از کتاب‌های شیعه این سوره را نقل می‌کند» (۳۶) و حال آن که خود نویسنده دبستان می‌گوید: «بعض از ایشان گویند...» نه آن که از کتابی نقل کرده باشد.

ابن شهر آشوب و سوره ولایت

نسبتی که دیگران به کتاب «المثالب» محمد بن علی شهر آشوب می دهد و محدث نوری از آنان نقل می کند، کاملاً بی اساس و بدون مطالعه است، هر چند محدث نوری با تعبیر: «علی ما حکى عنه: بنابه آن چه از او [ابن شهر آشوب] حکایت شده» (۳۷) سوره ولایت را به کتاب المثالب ابن شهر آشوب نسبت می دهد و این عبارت نشان می دهد خود محدث نوری کتاب المثالب را ندیده است. در حالی که در آن هیچ اثری از برانداختن سوره ولایت به چشم نمی خورد. افزون بر آن ابن شهر آشوب به طور روشن دیدگاهش را درباره ی سلامت قرآن از تحریف بیان کرده و همسان با دیدگاه سید مرتضی علم الهدی (۳۸) (در ۴۳۸ق) بر این باور است که قرآن در عصر حضرت رسول اکرم (ص) به همین صورت کنونی جمع و در بین دو جلد تدوین شده است. ابن شهر آشوب در تعرض به اهل سنت نوشته است:

«به گمان شما، عثمان قرآن را جمع آوری کرد و حال آن که این پندار مخالف آیات قرآن و اخبار است [۱]. سپس به ذکر آیات و اخبار درباره جمع قرآن در عصر رسول خدا (ص) می پردازد و از جمله آن ها چنین می آورد [حضرت رسول الله - صلی الله علیه و آله - هر سال قرآن را بر جبرائیل قرائت می کرد و در سال وفات دوبار آن را بر وی قرائت کرد، چه طور ممکن است حضرت، قرآنی که تدوین و تالیف نشده و در مجموعه ای مستقل گرد نیامده را است بر جبرائیل قرائت کند؟!» (۳۹)

ابن شهر آشوب در کتاب دیگر به نام متشابه القرآن و مختلفه نیز دیدگاه روشن خود را درباره صیانت قرآن از تحریف چنین آورده است:

«قول درست این است که هر چه در روایات بیش از مصحف موجود ادعا شود، تاویل قرآن است و تنزیل [یعنی: ظاهر الفاظ] قرآن بدون افزایش و کاهش بر جای خود است.» (۴۰)

بنابراین، ابن شهر آشوب چنین نظری ندارد. باید دید چه کسی این نسبت را به ابن شهر آشوب داده که موجب شده محدث نوری با استناد به قول او با تعبیر «علی ما حکى عنه، بنا به آن چه از او [ابن شهر آشوب] حکایت شده» (۴۱) از وی نقل می کند؟ این فرد کسی جز ابوالمعالی محمود آلوسی مؤلف کتاب تفسیر روح المعانی (در ۱۲۷۰ق) نیست. وی در مقدمه تفسیرش با صراحت نوشته است:

«ابن شهر آشوب ما زندرانی در کتاب مثالب گفته است سوره ولایت از قرآن ساقط شده است» (۴۲)

کتاب تذکرة الائمة از کیست؟

برخی کتاب تذکرة الائمة را با نام مجلسی به طبع رسانده‌اند (۴۳) و یا به استناد به این کتاب، اسقاط دو سوره نورین و ولایت را به مجلسی نسبت می‌دهند (۴۴) لیکن هر کس تنها صفحات نخست این کتاب را نگاه کند به این نتیجه می‌رسد که مؤلف این کتاب از صوفیه (۴۵) است و شیوه او با شیوه علامه مجلسی کاملاً مغایر است. شرح حال نگاران درباره علامه مجلسی و نگاشته‌های ایشان، نامی از این کتاب به میان نیاورده‌اند. (۴۶)

محدث نوری نیز که کتاب «الفیض القدسی فی ترجمه الائمة المجلسی» را نگاشته با ادله روشن و شواهد کافی اثبات می‌کند این کتاب از تالیفات لاهیجی است و عده‌ای به سبب تشابه در نام او و پدرش با نام و پدر مجلسی یعنی محمدباقر بن محمدتقی به این خطا دچار شده‌اند. (۴۷)

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی نیز درباره شناسنامه کتاب تذکرة الائمة نوشته است:

«این کتاب درباره تاریخ ائمه معصومان از محمدباقر بن محمدتقی لاهیجی به زبان فارسی است و در سال ۱۰۸۵ق آن را نگاشته است. وی به تصوف گرایش دارد... همان‌طور که صاحب ریاض‌العلماء که شاگرد مجلسی و استاد در فن شرح حال‌نگاری است بدین نکته تصریح کرده است. بنابراین، انتساب کتاب به مجلسی پنداری است که بر اثر اشتراک نام مؤلف و پدرش با نام مجلسی و پدرشان، رخ داده است.» (۴۸)

مؤلف ریحانة الادب شبیه به همین تعبیر را درباره کتاب تذکرة الائمة به کار برده است. (۴۹)

**هر کس تحریف قرآن را
به شیعه نسبت دهد، به
آن‌ها دروغ بسته و به
آن‌ها ستم نموده است،
چرا که قداست قرآن
حکیم از ضروریات دین
اسلام و مذهب آنان است
و هر کس در قداست
قرآن (تحریف ناپذیری
قرآن) شک کند، به
اجماع امامیه، مرتد است**

محمدباقر لاهیجی (هم عصر علامه مجلسی) از منبع و مدرک خود درباره سوره ولایت سخنی به میان نیاورده است و به احتمال زیاد از همان نسخه قرآن مجهول گرفته است، چون لاهیجی همان‌طور که خود می‌گوید سفری به هندوستان داشته (۵۰) و لابد در آن‌جا با این دو سوره آشنا شده است.

یک بحث تکمیلی

علمای شیعه در کتب خود با ذکر دلایل عقلی و نقلی، تحریف ناپذیری قرآن را ثابت کرده اند و شبهات پیرامون آن را هم پاسخ داده اند. و بعضی از ایشان کتب مستقلی در آن موضوع نگاشته اند. و به هیچ وجه زیر بار تحریف قرآن حتی در مورد یک حرف از آن هم نرفته اند چنان که مرحوم سید شرف الدین، از علمای برجسته شیعه چنین می گوید: «هر کس تحریف قرآن را به شیعه نسبت دهد، به آن ها دروغ بسته و به آن ها ستم نموده است، چرا که قداست قرآن حکیم از ضروریات دین اسلام و مذهب آنان است و هر کس در قداست قرآن (تحریف ناپذیری قرآن) شک کند، به اجماع امامیه، مرتد است»

به همین دلیل است که علمای شیعه، احادیث مخالف با قرآن را کاملاً رد نموده و به آن ها بهایی نمی دهند؛ هر چند این روایات از نظر سند صحیح باشند...

«و قرآن حکیمی که نه از مقابل و نه از پشت سر (به هیچ وجه) باطل در آن راه ندارد همان قرآن است که در بین دو جلد و در دست مردم است، نه حرفی به آن افزوده یا از آن کم نگردیده و تبدیل کلمه ای به کلمه ای دیگر و حرفی به حرف دیگر در آن راه ندارد و هر حرفی از حروفش در کل نسل ها تا، زمان پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - متواتر و قطعی است.» (۵۱) بنابر آنچه گذشت چگونه می توان قبول کرد که شیعه، معتقد به حذف تمام یک یا دو سوره از قرآن باشد؟!

مطلب دیگر این که، به فرض اگر این ادعای مورد بحث در کتب معتبر شیعه هم ذکر شده بود، نباید کسی به خود اجازه انتساب آن را به کل علمای شیعه دهد، چنان که روایاتی دال بر حذف سوره های «جفد» و «خلع» و سوره هایی مانند توبه و... در کتب معتبر اهل سنت آمده است (۵۲)، ولی شیعه به خود اجازه نمی دهد که علمای اهل سنت را قائل به تحریف قرآن بدانند، چرا که نقل حدیث، اعم از اعتقاد به مضمون آن می باشد و از سوی دیگر اعتقاد ناصحیح چند تن از پیروان یک مذهب را نمی توان به کل علمای آن مذهب و یا به خود مذهب نسبت داد.

پی نوشت‌ها:

- (۱) به طور نمونه: غررالفوائد فی شرح الفرائد، محمد حسن آشتیانی، ص ۱۰۱ - حفظ الکتاب الشریف من شبهه التحریف، سید محمد حسین شهرستانی، ص ۴۶ - الآء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی، ج ۱، ص ۲۴
- (۲) Noldeke
- (۳) تاریخ المصاحف، ج ۲، ص ۱۰۲ «نولدکه بنابر گفته عبدالرحمن بدوی «شیخ المستشرقین» آلمان به شمار می آید (المصاحف سجستانی، مقدمه ص ۴، چاپ مصر) گلدزیهر نیز از وی با عنوان «پیشوای بزرگ یاد می کند»
- (۴) Ignas Gogdzihher
- (۵) Garcinde Tassy
- (۶) Journal Asiatique 1842 Noldeke: 221.
- (۷) W.st. clair Tisdall
- (۸) koran The Moslem World (1913) 111, 227 Shiah addition to the
- (۹) مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۲۹۵ - ۲۹۴
- (۱۰) "36-PP.431 ,chapitre inconnu du coran" JA, Tome XIII may 1842
- (۱۱) همان ص ۴۳۳
- (۱۲) همان: 19-Tome XIII December 1843, PP. 414 ، جالب است که کاظم بیگ دیدگاه شیخ صدوق (در ۳۸۶ ق) را درباره صیانت قرآن از تحریف در باور شیعه آورده است همان، ص ۴۰۱
- (۱۳) "34-pp.231 ,Shiah Addions to the koran" MW, III, July 1913
- (۱۴) همان، ص ۲۲۹، تنها آدرس وی از این نسخه مجهوله قرآن این است: «این نسخه در ژوئن ۱۹۱۲ در بانکپور هند یافت شده، مدیر کتابخانه بانکپور گفته است این نسخه را بیست سال پیش از شخصی به نام نواب در لکنهوی هند خریداری کردیم، قدمت این نسخه حداکثر ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال پیش است». همان، ص ۲۲۸
- (۱۵) Canon Sell
- (۱۶) تاریخ قرآن، ص ۲۸
- (۱۷) تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم، محمد جواد مشکور، ص ۱۵۵
- (۱۸) همان، ص ۲۳۴
- (۱۹) رساله فی الرد علی الرافضه، محمد عبدالوهاب، ص ۱۴ و ۱۵
- (۲۰) الخطوط العریضه، ص ۱۲
- (۲۱) الوشیعه فی نقد عقائد الشیعه، موسی جارالله، ص ۱۰۴
- (۲۲) اصول مذهب الشیعه ج ۱، ص ۲۵۵
- (۲۳) الشیعه و تحریف القرآن، محمد مال الله، ص ۱۵۲
- (۲۴) السنه و الشیعه، مکتبه السلفیه، احسان الهی ظهیر ص ۱۱۳
- (۲۵) دراسه من الفرق فی تاریخ الاسلام، احمد محمد جلی، ص ۲۲۶
- (۲۶) اصول مذهب الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۰
- (۲۷) الخطوط العریضه، ص ۱۲
- (۲۸) تذکره الائمه، ص ۲۰ - ۱۹

- ۲۹) فصل الخطاب میرزا حسین نوری، ص ۱۸۰
- ۳۰) «دبستان مذاهب» کیخسرو اسفندیار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، ج ۲، ص ۲۲
- ۳۱) همان، ج ۲، ص ۵۸-۴۶
- ۳۲) همان، مقدمه، ص د
- ۳۳) Divideand Rule
- ۳۴) همان، ج ۱، ص ۲۴۴
- ۳۵) همان، ج ۱ ص ۲۴۶
- ۳۶) فصل الخطاب، ص ۱۸۰
- ۳۷) همان، ص ۱۸۰
- ۳۸) الذخیره فی علم الکلام، همان ص ۳۶۳
- ۳۹) مثالب النواصب مخطوط رقم ۱۸۴۱، ورقه ۴۷۱
- ۴۰) متشابه القرآن و مختلفه، محمد بن علی ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۷۷
- ۴۱) فصل الخطاب ص ۱۸۰
- ۴۲) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، محمود آلوسی، ج ۱، ص ۴۴
- ۴۳) تذکره الاثمه
- ۴۴) الخطوط العریضه ص ۱۲
- ۴۵) همان گونه که شرح حال نگاران می گویند: وی به تصوف گرایش دارد، ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، بیروت دار التعارف، ۱۴۰۳ ق، ج ۹، ص ۱۸۲- ۱۸۴ و منابع دیگری که در پی نوشت شماره بعدی است
- ۴۶) به طور نمونه ر.ک: میرزا محمدباقر خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، ج ۱، ص ۱۱۸- ۱۱۴؛ اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۴- ۱۸۲؛ آغابزرگ طهرانی، الذریعه الی مصانیف الشیعه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش، ج ۲۳، ص ۳۱۹ به بعد؛ میرزا عبد الله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم مطبعه خیام، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۳۹۳ به بعد در همین منابع شرح حال محمدباقر بن محمدتقی لاهیجی تا حدودی، آمده است
- ۴۷) الفیض القدسی فی ترجمه العلامه المجلسی، میرزا حسین نوری، مطبوع در بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۵۴ و ۵۳
- ۴۸) الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۶
- ۴۹) ریحانه الادب در شرح احوال و آثار علما، عرفا، فقها، محمدعلی مدرس، ج ۵، ص ۱۹۵
- ۵۰) تذکره الاثمه، ص ۱۳۰
- ۵۱) الفصول المهمه، السید شرف الدین العاملی، ص ۲۶۳
- ۵۲) ر.ک. جلال الدین عبد الرحمن السیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، تقدیم و تعلیق الدكتور مصطفی دیب البغاء (بیروت، دار ابن کثیر، چ دوم، ۱۴۱۴ هـ ق) ج ۱، ص ۲۰۵- ۲۰۶، ج ۲، ص ۷۲۱- ۷۱۹. الدر المنثور (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی نوبت چاپ، ۱۴۰۴ هـ ق) ج ۱، ص ۱۰۵. و ج ۶، ص ۴۲۰- ۴۲۲. بدر الدین محمد بن عبد الله الزرکشی، البرهان فی علوم القرآن با تعلیق مصطفی عبدالقاهر عطاء (بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ ق) ج ۲، ص ۴۳- ۴۴. شهاب الدین السید آلوسی، البغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، (مصر، اداره الضیاعه المنیری، چ دوم، بی تا) ج ۱، ص ۳۱۶